



تابلوی معروفی شب یلدا، استاد محمد حمیدری

## شب یلداهای زردکی خانواده محمد آقا

خانواده محمد آقا نماد عینی به خانواده بی پول اما خوشبخت بودن که لذت ثانیه به ثانیه زندگی روی می بردن



سپند ایرانمهر

یادمه تو دور آن کودکی که ملت مثل الان تقسیم بندی مالی و جغرافیایی نشده بودن، خانواده ای در همسایگی ما بودن که اسم آقا شون «ممد آقا» بود. این اسم رو همسایه ها به دلیل قد کوتاهش روش گذاشته بودن. ممد آقا، رفتگر بود، در عین تنگدستی اما به شدت پیش فعال و مقید به خانواده و انجام درست مناسک و مراسم بود. مثلاً یادمه وقتی پسر بزرگ خانواده رفت سر بازی، پول آتش پشت یارونداشتن اما به همه کوچه، شربتی دادن که مثلاً شربت زعفرون بود اما نه طعم داشت و نه رنگ یا وقتی چارشنبه سوری می شد به جای نارنجک و ترقه، آقا شون به پیچ حلبی و یه ذره کار بیت می گرفت و عین ۹ نفر عضو خانواده مقید بودن به نوبت پشت سولاخ بیت حلبی آتیش بگیرن و بیت حلبی،

«دار امب» صدا بده.

برف که می اومد، آقا شون رو پشت بوم حاضر بودو اولین خونه ای که برفش پارو می شد همین خانواده بود. خانوادگی رو پشت بوم بودن. پدر و پسر بزرگه با پارو، مابقی خاک انداز و حتی اون آقا کفگیر! وظرف چند دقیقه همه برف ها پارو شده بود. یکی از مرادای همسایه به شوخی می گفت: «خدا سر شاهد برف هنوز نیومده بود رفتم پشت بوم دیدم خانوادگی رو به آسمون پارو و خاک انداز و کفگیر به دست، منتظرن».

برف هم که می نشست، مادر خانواده نفری به کاسه برف و شیر می داد دستشون و جمعی تو کوچه می نشستن و مشغول خوردن برف و شیر می شدن و از همه شیرین تر دختر کوچیک خانواده بود که هر وقت کارتون سمپسون هارو می بینم یاد اون و پستونکش می افتم.

## کاناپه



بسته ای برای آخر هفته ویژه آن ها که مطالعه را دوست دارند اما وقت ندارند

## سکوت شد علی کات داد...

روایت جالب عزت... انتظامی از پشت صحنه فیلم برداری آخرین فیلم مرحوم علی حاتمی



سر فیلم «جهان پهلوان تختی» علی حاتمی با من تماس گرفت و گفت که قرار است این فیلم را بسازد و نقش پدر تختی را برای من در نظر گرفته. چند ماه بعد هم فیلم را کلید زد. هنوز اوایل کار بود که درد کمر علی شروع شد. با وجود درد شدید که داشت تا ۱۸ سالگی تختی را فیلم برداری کرد. اواسط فیلم بودیم که بیماری علی شدت گرفت و او مجبور شد کار را رها کند و برای معالجه به لندن برود اما سریع برگشت. برای بار دوم که کار را شروع کردیم، علی دیگر نمی توانست آن قدر روپا باشد.

یادم می آید یک سکانسی را در شب می گرفتیم که مادر تختی باید فارغ می شد و چون زایمان سختی داشت و بچه به دنیا نمی آمد، باید می رفتم سقاخانه روبه روی خانه ام و نذر و نیاز و دعا می کردم. سر این سکانس اتفاق بسیار عجیبی برای من افتاد که هر موقع یادش می افتم بغض می کردم و اشک امانم نمی دهد. در آن شب باید میله های سقاخانه را می گرفتیم و این دیالوگ را می گفتم: «یا موسی بن جعفر، یا حضرت رضا، این بچه زودتر به دنیا بیاد. دور بین، صدا و همه آماده شدند. من رفتم روبه روی سقاخانه و این دیالوگ به ناخودآگاه از دهانم بیرون آمد: «یا موسی بن جعفر، یا حضرت رضا، علی راشفا بده. فضا را سکوتی عجیب گرفت. علی سری گرداند و کات داد. همه عوامل زدند زیر گریه. من هم دستانم را انداختم گردن علی و دو نفری های های گریه کردیم. درست مثل همین الان، اشک امانم نمی داد....»



اعضای علیه او توطئه

و او را مقصر اصلی تمام فسادها و رانت خواری ها معرفی می کنند. پس در این سریال زنان به گونه ای به نمایش در می آیند که وقتی وارد محیط های کاری می شوند، ابروه ای جنسی هستند و باعث ایجاد فساد اخلاقی می شوند و راهکار مبارزه با آن نیز حذف کامل زنان از محیط های اجتماعی است. در حالی که مردان به راحتی به زندگی عادی خود ادامه می دهند و آب هم از آب تکان نمی خورد. پیام ضمنی سریال می تواند این باشد که تنها خط قرمز زنان، خیانت مرد است و تنها موضوعی که برای شان حائز اهمیت است، وفادار بودن مرد است و این که در آمد خوبی داشته باشند، راه به دست آوردن آن هم دیگر مهم نیست، پس هر چیزی از سوی زنان پذیرفته می شود مگر خیانت. کارگردان با نمایش یک اثر دیدگاه خود را در جهت مخالفت یا موافقت با هنجار ها و ارزش های غالب در جامعه نشان می دهد. در این اثر زنان جامعه ای که مهران مدیری به تصویر می کشد، زیاده خواه، راحت طلب، دهن بین، شکاک، پول پرست و اهل اهمیت به ظواهر هستند و کمتر دغدغه مشکلات جامعه را دارند. زن نشان داده شده در سریال مهران مدیری، زنی است که در جستجوی ظاهر بهتر و زیبایی بیشتر است. دغدغه اصلی اش خانه بالای شهر و ماشین لوکس سوار شدن است. حال آن که دغدغه ها و خواسته های زن جامعه ایران بسیار مهم تر از آن چیزی است که در این سریال شاهد آن بودیم. (هر چند تمام شخصیت های اصلی سریال مهران مدیری از نظر ویژگی های اخلاقی دارای مشکلات عدیده ای هستند.)

برگرفته از کانال تلگرامی «خرد جنسی»

## مهران مدیری در «هیولا»، از زنان چه تصویری می سازد؟

زنان جامعه ای که مهران مدیری به تصویر می کشد، زیاده خواه، راحت طلب، دهن بین شکاک، پول پرست و اهل اهمیت به ظواهر هستند و کمتر دغدغه مشکلات جامعه را دارند

سعیده رضوانی



رسانه ها موجب انباشت تصاویر ذهنی و ایجاد تفکرات قالبی از زن در اذهان عمومی می شوند، از آنه تصویر زنان در خانه و دغدغه ظاهر دنیوی و زیبایی داشتن، چیزی است که رسانه ها برای ما ساخته اند و این تصاویر و انگاره ها، عامل مهمی در ساخت اجتماعی واقعیت در بین مخاطبان و افراد جامعه محسوب می شوند؛ کاری که مهران مدیری در سریال «هیولا» به خوبی از عهده آن برآمد. اترستین و بلن (جامعه شناس و اقتصاددان)، در اواخر قرن نوزدهم در نظر به اش تحت عنوان «نظریه طبقه تن آسا»، جامعه ای را به تصویر می کشد که سرچشمه های اصلی مصرف در آن، نظا هر و تقلید است و در بالای آن طبقه مالکان قرار دارد، طبقه ای که ناز و نعمت خود را به وسیله مصرف نمایش می دهند، طبقه مرفه گروهی از مردم هستند که صرفا در صدار ضای نیاز های فیزیکی، روانی و روشنگرانه خود نیستند بلکه همواره کالاهایی را برای خود نمایی و نه رفیع نیاز مصرف می کنند. این نوع مصرف را اولین مصرف نمایشی می نامد. در واقع در این سریال، کالابرای رفیع نیاز مصرف نمی شود بلکه زنان سریال به دنبال تظاهر به مصرف و نمایش آن هستند. و بلن معتقد بود مصرف زمانی از معنای طبیعی و اصلی خود فاصله می گیرد که بتواند بیانگر انگیزه های باشد که فرایند متفاوتی از انباشت کالا را در پی داشته باشد. انگیزه ای که ریشه مالکیت از آن آب می خورد، چشم و هم چشمی است. همین انگیزه چشم و هم چشمی در سیر تکامل خود، نهاد مالکیت را شکل می دهد و این نهاد در همه جنبه های تکامل

ساختار اجتماعی نفوذ پیدا می کند. داشتن ثروت، بزرگی و افتخار می آورد و این امتیاز رشک انگیزی است. زنان سریال «هیولا» مدام برای نشان دادن دارایی های خود به رقابت می پردازند. و بلن در باره سرچشمه های اجتماعی رقابت در زندگی بشری معتقد بود، حرمت نفس همان بازتاب حرمتی است که دیگران برای انسان قائل می شوند. بنابراین اگر شخصی به خاطر توفیق نیافتن در کوشش های رقابت آمیز مورد پسند جامعه، چنین حرمتی را به دست نیار د، از فقدان حرمت نفس رنج خواهد برد. در یک فرهنگ رقابتی که انسان ها ارزش شان را در مقایسه با ارزش دیگران می سنجند، هر کسی پیوسته در تکیاوی این است که از دیگران پیشی بگیرد. ویژگی فرخ فروشی در این سریال مشخصه بارز زنان است و مردان کمتر دارای این ویژگی هستند. یک تفکر کلیشه ای که در جامعه در خصوص زنان وجود دارد، این است که زنان در مهمانی ها مدام در صدد نمایش زیور آلات، کفش و لباس مارک دار خود هستند؛ موضوعی که این سریال به آن دامن زده است. کلیشه سازی، تعداد اندکی از ویژگی های ساده و قابل فهم در یک شخص را در نظر می گیر د و همه چیز در باره آن فرد را به آن ویژگی ها تقلیل می دهد و آن ویژگی ها را اغراق آمیز و ساده می سازد. خانم زحمتمش می توان گفت تنها زن فعال در محیط و جامعه مردانه. به ظاهر قرار است ایشان به عنوان عضو هیئت مدیره خاف نماینده زنان باشد. اما از آن جا که همیشه پای یک زن در میان است، وجودش باعث ایجاد فساد در هیئت مدیره می شود (ارتباط با کامروا). همچنین از او شخصیتی ساده لوح به تصویر کشیده می شود که به راحتی همه

عکس هفته

## در جستجوی گنج یلدا

مجید خسروانجم در توضیح این اثرش نوشته است: شمس الدین محمد می فرماد: دست از طلب ندارم تا کام من بر آید یا تن رسد به جانان، یا جان زن بر آید.... اما به نظر ما باید ساده و سراسر است می گفت از دست تخمه های آجیل یلدا کافله شده و دلش فقط بادوم هندی می خواد حرف همه ما روز ده بود.

